

Presenting a model of the method of analyzing the thoughts and statements of Ayatollah Khamenei

Mohammad soheilsarv

Assistant Professor, Faculty of Social Sciences, University of Tehran.

Email: soheilsarv.moham@ut.ac.ir

Abstract

Methodology is one of the most important topics in scientific studies in the current scientific world. Methodological logic is generally presented based on epistemology. So far, various methods and paradigms have been presented in this regard. Failure to pay attention to methodological topics will lead to deviation from education in any discipline. In this research, with the aim of achieving the correct method of dealing with the thoughts and statements of Grand Ayatollah Khamenei, an attempt has been made to examine and answer this question, according to the specific conditions and requirements of Islamic Revolution education among different ideas and education, how to analyze and understand the ideas and The statements of Grand Ayatollah Khamenei should be analyzed by presenting a methodology. This research was done with documentary method and through rational-descriptive analysis. The findings of the present article indicate that the method of dealing with the thoughts and statements of Ayatollah Ayatollah Khamenei can provide a better investigation with a kind of dualism in the form of right and wrong and their subgroup dualities. Also, the reflection method is presented as another method of examining the thoughts and statements of Ayatollah Khamenei.

Keywords: Dualism, reflection method, ijtehad-wisdom method, Ayatollah Khamenei, Islamic Revolution Education.

ارائه الگوی روش تحلیل اندیشه و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای

محمد سهیل سرو

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

Email: soheilsarv.moham@ut.ac.ir

چکیده

روش‌شناسی یکی از مباحث با اهمیت در مطالعات علمی جهان علمی حاضر است. منطق روش‌شناسی عموماً مبتنی بر معرفت‌شناسی ارائه داده می‌شود. تاکنون روش‌ها و پارادایم‌های مختلفی در این باره ارائه شده است. عدم پرداخت به مباحث روش‌شناسی، انحراف از معارف را در هر رشته‌ای به وجود خواهد آورد. در این تحقیق با هدف دستیابی به روش صحیح مواجهه با اندیشه و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، سعی شده تا این مسئله بررسی و پاسخ داده شود که با توجه به شرایط و اقتضائات خاص معارف انقلاب اسلامی در میان اندیشه‌ها و معارف مختلف، چگونگی واکاوی فهم اندیشه‌ها و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای از طریق ارائه یک روش‌شناسی بررسی شود. این تحقیق با روش اسنادی و از طریق تحلیل عقلی- توصیفی انجام شده است. یافته‌های مقاله حاضر حاکی از آن است که روش مواجهه با اندیشه‌ها و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای می‌تواند با نوعی دوگانه‌انگاری در قالب حق و باطل و دوگانه‌های زیرمجموعه آن‌ها بررسی بهتری را ارائه خواهد داد. همچنین روش تأملی نیز به‌عنوان یکی دیگر از روش‌های بررسی اندیشه و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای ارائه شده است.

واژگان کلیدی: دوگانه‌انگاری، روش تأملی، روش اجتهادی- حکمی، آیت‌الله خامنه‌ای، معارف انقلاب اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳ / ۰۷ / ۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳ / ۰۹ / ۲۴

فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۳، صص ۱-۳



دسترسی به مقالات نشریه علمی رهنمون انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «رهنمون انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution ۴.۰ International CC BY ۴.۰

Doi: ۱۰.۲۲۰۲۴/rir.۲۰۲۴.۲۰۱۶۰۴

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه رهنمون انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

ویژگی علم، تبیین نظام‌مند روابط است (بوردیو، ۱۳۹۷: ۴۳). در حالی که بحث غیرعلمی تبیینی باری به هر جهت با استدلال‌های شخصی و احساسی است. از این رو معارف انقلاب اسلامی به‌عنوان پایه و مقوم اندیشه‌ای انقلاب اسلامی متکی به متون و اندیشمندان آن است که فهم آن‌ها نیازمند هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی انقلاب اسلامی در درجه نخست و روش‌شناسی و کشف مراد اندیشمندان انقلاب اسلامی در گام بعد است. از آنجایی که حجم قابل‌توجهی از این معارف مبتنی بر قرائتی از اسلام بوده که اصطلاحاً اسلام ناب محمدی نام‌گرفته و ظهور و تجلی آن در بیانات و اندیشه‌های رهبران انقلاب اسلامی هست، از این رو متون در دسترس از بیانات رهبران به‌عنوان اصلی‌ترین منبع بررسی و استخراج شیوه اندیشه رهبران و معارف انقلاب اسلامی است.

بررسی متون در کتب روشی با عنوان تحلیل متن شناخته می‌شود. اما روش رویارویی با متن معارف انقلاب اسلامی با آنچه در روش‌های تحقیق تحت عنوان تحلیل متن ارائه می‌شود، تفاوت‌هایی خواهد داشت. بدین سبب که رویکردهای گوناگونی در روش‌های تحلیل متن حسب منطق‌ها آن‌ها وجود دارد. برخی از این تحلیل‌ها، متن‌محوری و برخی دیگر نیز مؤلف‌محوری را در میدان بررسی قرار می‌دهند.

با توجه به آنکه معارف انقلاب اسلامی مبتنی بر شرع مقدس اسلام و منابع آن یعنی قرآن و روایات است و نگاهی فقهی در استنباط احکام از منابع اسلامی موردنظر است؛ از این رو معارف انقلاب اسلامی نیز که توسط فقیهان جامع‌الشرایط یا متجزی ارائه داده شده است بایستی با نگاهی اجتهادی همراه باشد.

هدف از این تحقیق دستیابی به روش صحیح مواجهه با معارف انقلاب اسلامی است. امری که با فهم صحیح از آن ضمن کاهش اشتباهات محاسباتی در تصمیم‌گیری مسئولان، زمینه امتداد اندیشه رهبران انقلاب اسلامی را فراهم خواهد نمود. پرداخت به این روش‌ها مانع محتوای زدایی از انقلاب اسلامی شده و زمینه عمق‌بخشی و فهم عمیق از این متون را فراهم می‌آورد. همچنین چگونگی تحلیل و استنباط از بیانات و اندیشه‌های رهبر انقلاب اسلامی نیز هدف دیگر این مقاله است.

از این رو، مسئله تحقیق حاضر با توجه به شرایط و اقتضائات خاصی که معارف انقلاب اسلامی در میان اندیشه‌ها و معارف مختلفی که در سطح زیست‌جهان‌های امروزی وجود دارد، چگونگی فهم معارف انقلاب اسلامی به‌طور عام و اندیشه‌ها و بیانات رهبر انقلاب اسلامی به‌طور خاص از طریق یک روش‌شناسی معتبر است. این مسئله از طریق سؤالاتی از این قبیل پیگیری می‌شود که: تفاوت‌های این روش‌شناسی با روش‌شناسی‌های موجود در چیست؟ و روش‌های کشف صحیح و معتبر معارف انقلاب اسلامی چگونه خواهد بود؟

انقلاب اسلامی شامل امور واقعی است که در جامعه در جریان است و به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی است که مسلمانان بر اساس اسلام، آن را به ثمر رسانده‌اند ولی اسلام خود عندالله است اما معارف انقلاب اسلامی واقعیت ذهنی است بدین منظور برای شناخت پارادایم انقلاب اسلامی ابتدا باید معارف انقلاب اسلامی را بررسی کرد و شناخت.

معارف انقلاب اسلامی عبارت از مجموعه‌ای از گزاره‌ها، برداشت‌ها، پنداشت‌ها است که برای ما موجه و معتبر است هم در تجویز و هم در تبیین و ما را به یک شناخت معتبر می‌رساند.

ضرورت این بحث از این جهت است که انقلاب اسلامی وضعیت ما را تغییر داد و خود تغییر نگاه به اسلام را نیز به وجود آورد و تنها یک رویداد اتفاق افتاده در سال ۵۷ و باقی‌مانده در آن سال نبود بلکه زنده بوده و می‌خواهد همه‌چیز ما را تحت تأثیر قرار دهد. از همین رو در صورت عدم پرداخت به این موضوع تفسیرها و تعبیرهای متفاوتی از انقلاب اسلامی و انقلابی بودن در ادوار مختلف می‌تواند به وجود آید به‌گونه‌ای که هر کس انقلاب اسلامی را از زاویه دید خود و بر اساس امیال خود تعبیر و تفسیر کند. امری که شواهد آن بعضاً در گوشه و کنار شنیده می‌شود تا جایی که خط امام خمینی^(ره) و اصول انقلاب متفاوت از آنچه در منابع است تفسیر شده است. از این رو ضروری است تا به شناخت موجه و معتبر نسبت به انقلاب اسلامی دست پیدا کرد. برای رسیدن به این شناخت معتبر به روش نیاز است. روش، در واقع شناخت درست موضوع آن علم است نه خود آن علم. موضوع دانش واقعیت است ولی دانش حاصل از موضوع اعتباری است مانند تلفن همراه که موضوع دانش است ولی

برداشت‌های مختلفی از آن وجود دارد. با روش معتبر به شناخت صحیح رسیده می‌شود. بنابراین به‌طور کلی ضرورت این بحث نیاز به شناخت معتبر و موجه در روش و منبع است. اما بایستی بررسی شود که با چه روش‌ها و منابع معتبری و منابع می‌توان به آن شناخت معتبر از انقلاب و اسلام دست‌یافت.

۱. پیشینه پژوهش

بررسی منابع موجود در زمینه روش‌شناسی در حوزه معارف انقلاب اسلامی مطالعه شد که در ذیل به آن‌ها اشاره شده است.

عبدلی مسینانی (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل و ارزیابی روش‌شناختی مدل اجتهادی/تجربی در تولید علوم انسانی اسلامی» معتقد است تولید علم دینی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نرم‌افزاری تمدن نوین اسلامی در گام نخست در گرو ارائه نظریه و مدلی منطقی و نظام‌مند بر پایه روش‌شناسی اسلامی در تبیین علم اسلامی است. مدل اجتهادی-تجربی یکی از مدل‌های ممکن در مسیر تولید علم دینی است، که مبتنی بر یک چهارچوب نظری و بر اساس روش‌شناسی اجتهادی و با التزام به داوری تجربی گزاره‌ها، با بهره‌گیری از متون دینی به تولید علوم دینی اقدام می‌کند. در این پژوهش به بررسی مدل اجتهادی-تجربی پرداخته شده است تا در سایه ارزیابی روش‌شناختی این مدل، زمینه رسیدن به مدلی کارآمد بر پایه روش‌شناسی اسلامی فراهم آید. تبیین مراحل نظریه‌پردازی، حل مشکل گزاره‌پردازی، تلاش برای تفاهم و رقابت با پارادایم‌های رقیب، توجه به ابعاد مختلف تولید علم از مهم‌ترین وجوه امتیاز این دیدگاه و ابهام در تلفیق پارادایم‌ها، اشکال در تفکیک و سطح‌بندی علم، ابهام در علم‌بودن بخش فرا تجربی و ابهام در استفاده از گزاره‌های انشایی و... از مهم‌ترین وجوه محدودیت‌های این مدل است.

منطقی (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «کاوشی در روش اجتهادی و کاربست آن در مدیریت اسلامی» معتقد است در سالیان اخیر، برخی از اندیشمندان مدیریت اسلامی، در آثار خود، خواهان استفاده از روش اجتهاد هستند. در این تحقیق، تصویری از مفهوم اجتهاد و به‌کارگیری آن به‌عنوان یک روش تحقیق، در دانش مدیریت ارائه شده است. روش اجتهاد در مدیریت اسلامی با تکیه بر دودسته منابع

علمی، یعنی منابع درون دینی و منابع برون دینی، کاربستی را فراهم ساخته که در عین استفاده از دانش روز در حوزه مدیریت، از منابع ارزشمند دینی نیز برای اعتلای دانش مدیریت استفاده شود. بر اساس این روش، یک فرایند نه مرحله‌ای برای استنباط مدیریت اسلامی ارائه شده است.

عیوضی (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان «روش‌شناسی مطالعه و فهم اندیشه سیاسی امام خمینی^(۵)» معتقد است امام خمینی^(۵) به‌عنوان پایه‌گذار احیای اندیشه مردم‌سالاری دینی معاصر و پرنفوذترین روحانی شیعه سیاسی، توانست حکومتی مبتنی بر نظریه ولایت‌فقیه را که واجد مفاهیم استوار مذهب شیعه بود، حاکم سازد. این مقاله با در پیش‌گرفتن متدی روش‌مند، ضمن مطالعه شیوه، سیره و اندیشه سیاسی امام و تبیین نکات برجسته و ویژگی‌های منحصر به فرد و متمایزکننده آن از سایر بزرگان معاصر شیعه، به تدوین روشی جهت بازخوانی نظریات آن حضرت در موضع‌گیری‌های سیاسی و از جمله وصیت‌نامه الهی - سیاسی ایشان پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان داده که روش‌شناسی امام خمینی^(۵) - شهودی - تجربی بوده است.

برزگر (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «مقایسه تحلیلی میان دو روش اجتهادی متفاوت» معتقد است: میان بسیاری از اهل علم مشهور است که روش اجتهادی شیخ انصاری^(۶) در راستای تکمیل و امتداد روش مرحوم وحید بهبهانی قرار دارد. اما بررسی تفصیلی شباهت‌ها و تفاوت‌های بنیادین روش این دو فقیه و اصولی بزرگ، ثابت کرده است که روش مرحوم شیخ فاصله‌های بسیار زیادی از روش مرحوم وحید پیدا کرده است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از شاخصه‌های اجتهاد را که مرحوم وحید شرط می‌دانسته است، ندارد و در مسیر دیگری حرکت کرده است.

حسینی و علی پور (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان «روش‌شناسی اجتهاد و اعتبارسنجی معرفتی آن» با مفروض داشتن امکان و ضرورت تولید علم دینی با روش اجتهادی، در پی تبیین و تحلیل چیرستی روش اجتهادی هستند. به گمان آن‌ها روش اجتهادی تنها روش کامیاب و موجه در تولید علوم انسانی اسلامی است. محققان با تحقیق و کاوش اجتهاد از جهت روش‌شناختی، ارزش معرفت‌شناختی فراورده‌های حاصل از روش اجتهادی را مورد سنجش قرار داده‌اند.

ابراهیمی پور (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان «روش‌شناسی اندیشه اجتماعی دورکیم، وینچ و علامه طباطبایی» معتقد است جامعه‌شناسی تحت تأثیر مکاتب فلسفی، موضوع، هدف و روش‌های متفاوتی را اتخاذ نموده است. جامعه‌شناسی دورکیم، بر فلسفه اثباتی کنت مبتنی است و علم را به سطح واقعیات قابل مشاهده تقلیل داده، بدون توجه به معنای رفتار، تنها تبیین علی را در دستورکار خود قرار می‌دهد. جامعه‌شناسی وینچ، با تکیه بر فلسفه ویتگنشتاین دوم، بدون توجه به علل پدیده‌های اجتماعی، تفسیر رفتار معنادار با روش‌های تفهیمی و بررسی دلایل انجام کنش را برجسته می‌سازد. علامه طباطبایی نیز بر مبنای حکمت صدرایی، حس، عقل، شهود و وحی را به‌عنوان منابع معرفت می‌پذیرد و معتقد است هر یک به سطحی از واقعیت نظر دارد. از این‌رو، نظریه‌های متنوع تفسیری، تبیینی، هنجاری و انتقادی بر مبنای ایشان قابل طرح است که هر یک از منبعی خاص برخاسته و به سطحی از واقعیت اشاره دارد و با آزمون‌های ویژه‌ای نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اسکندری (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «روش‌شناسی تحقیق در اندیشه امام خمینی^(ع)» معتقد است: روش‌های عقلانی، تجربی، شهودی، وحیانی و ترکیب این روش‌ها، پنج نوع روش مرسوم شناخت می‌باشند. دیدگاه‌های اساسی شناخت، شامل عقل‌گرایی، تجربه‌گرایی و دیدگاه استنباطی است. در این تحقیق مدل فرضیه‌پردازی در زمینه تحقیقات کاربردی که برگرفته از مدل قیاسی - فرضیه‌ای پوپر و کارناپ با دیدگاه استنباطی در مکتب پدیدارشناسی و روش تحقیق تجربی به شیوه آماری قابل کنترل ترکیب شده است. دیدگاه استنباطی بر مبنای پدیدارشناسی، مبنای مناسب برای بازخوانی اندیشه امام خمینی^(ع) تلقی شده است.

۲. چهارچوب نظری

روش، ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود است. روش، ممکن است به مجموعه راه‌هایی که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند، مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند، اطلاق شود (ساروخانی، ۱۳۷۲: ۲۴). در مقابل «روش‌شناسی» به‌عنوان یکی از مسائل کلان فلسفه علم، مطالعه و تحلیل و بررسی روش‌ها را برعهده

دارد؛ از این رو از سنخ «دانش درجه دوم»^۱ محسوب می‌شود. «لاتر»^۲ (۱۹۹۲) نیز از دو منظر به تعریف روش‌شناسی می‌پردازد. در یک منظر، روش‌شناسی را به‌عنوان مدلی مطرح می‌نماید که محقق در تحقیق به کار می‌برد. از منظر دیگر، روش‌شناسی به‌عنوان چهارچوبی فکری است که در بستر مطالعه استفاده می‌شود. البته نیومن (۱۹۹۷) روش‌شناسی را از منظر دوم معرفی می‌کند. بدین معنا که نوعی پارادایم فکری حاکم بر تحقیق به‌وسیله روش‌شناسی معرفی می‌گردد (بلیکی، ۱۳۹۱: ۳۰).

بنابراین در روش‌شناسی، منطق و چهارچوبی حاکم است که مسیر تحقیق و فعالیت علمی را مشخص می‌کند. روش‌شناسی درحالی‌که دربردارنده ابزار تحقیق است، متضمن مفاهیم نظری است که ریشه در هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی هر حوزه پارادایمی دارد. بنابراین روش‌شناسی ریشه در مبانی بنیادین دارد. روش‌شناسی، یکی از ابزارهای مهم و درعین‌حال یکی از معارف مبنايي در رسیدن به تولید علوم انسانی و اجتماعی است (ایمان، ۱۳۹۲: ۴۶۳).

در این مسیر ابتدا ابعاد مختلف موضوع شناسایی شده و پس از آن با توجه به ابعاد مختلف موضوع، منابع کسب معرفت و میزان اعتبار و روایی آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (معرفت‌شناسی) و در گام بعد با نظر به موضوع و منابع معرفتی، روش‌های کاربردی در حل مسائل آن به کار گرفته می‌شود. فرایند تولید معرفت در علوم انسانی نیز مانند سایر علوم، مطابق همین قواعد است و با این اوصاف، روش علوم انسانی

۱. Second order

۲. Lather

تابع روش‌شناسی آن و روش‌شناسی نیز تابع منابع و مدارک معرفتی و منابع نیز تابع مسائل و موضوع علوم انسانی است (عبدلی مسینانی، ۱۳۹۹).



شکل ۱: مفاهیم پایه روش‌شناسی منبع: (بلیکی، ۱۳۹۷)

۲-۱. انواع پارادایم‌های پژوهش

با توجه به هدف مطالعه، نوع رویکرد و پارادایم، روش‌های تحقیق را می‌توان در چهار قالب توصیف، تبیین، فهم و تأویل و اجتهاد یا استنباط طبقه‌بندی نمود که هر یک دارای تکنیک‌ها یا ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها از رویکرد خاص خود هستند.

۲-۱-۱. توصیف

تحقیق توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف از آن‌ها توصیف کردن پدیده یا پدیده‌های موردبررسی است. در این نوع تحقیق، توصیف و معرفی پدیده موردنظر از طریق برشمردن ویژگی‌ها، ابعاد و حدود آن پدیده صورت می‌پذیرد. در

این نوع از تحقیق، محقق ممکن است درصدد شناسایی عوامل و متغیرهای دخیل در یک پدیده یا موضوع خاص برآید ولی به بررسی روابط بین این عوامل و تشخیص نوع آن‌ها نمی‌پردازد. به عبارت دیگر، هدف در تحقیق توصیفی، شناسایی وضع موجود است، نه قضاوت درباره آن یا بررسی نوع روابط موجود بین عوامل و متغیرهای مختلف.

بنابراین، در یک تحقیق توصیفی، محقق الزاماً در پی کشف و توضیح روابط، همبستگی‌ها و نیز آزمودن فرضیه‌ها و پیش‌بینی حوادث و رویدادها نیست، بلکه توجه او بیشتر در جهت توصیف و گزارش‌نویسی از موقعیت‌ها و وقایع بر اساس اطلاعاتی است که بیشتر جنبه وصفی دارد، البته باید دانست که صاحب‌نظران در مورد مفهوم دقیق تحقیق توصیفی اتفاق نظر ندارند و گاهی به تعریف این نوع از تحقیق تا آن اندازه وسعت می‌دهند که شامل همه انواع تحقیق به‌جز تحقیقات تاریخی و تجربی می‌شود. در اینجا منظور از تحقیق توصیفی عبارت است از: توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک پدیده، یک موقعیت و یا یک موضوع.

۲-۱-۲. تبیین

هسته روش‌شناسی در رویکرد اثبات‌گرایی، تبیین است. اثبات‌گرایی جهان‌بیرونی را همچون یک واقعیت در نظر می‌گیرد که در آن تفاوتی میان واقعیت و حقیقت، ذهن و عین همچنان پدیده و واقعیت نیست. هر آنچه بررسی، مشاهده و حس می‌شود همان واقعی است و غیر از آن چیز دیگری نیست.

بنابراین یک واقعیت مادی و عینی بیشتر نیست و آن موضوعی قابل مطالعه است و بر اساس تبیین یا به دست آوردن روابط علیّی میان دو یا چند پدیده به دست می‌آید و قابلیت تعمیم به سایر مقولات مشابه خود در همه زمان‌ها و مکان‌ها را خواهد داشت. از این رو رویکرد اثبات‌گرایی بر شی‌ءوارگی و طبیعت‌گرایی استوار است و از باور به امور فرا انسانی و ماورایی، خود را مبرا می‌داند چون به‌مانند یک پدیده طبیعی قابل مطالعه نیستند (بلیکی، ۱۳۹۱: ۲۲۲).

۲-۱-۳. فهم و تأویل

فیلسوفان تفسیری همچون دیلتای، هوسرل، هایدگر و گادامر، و دانشمندانی نظیر ماکس، شوتس و پیتر وینچ، همگی بر این مطلب اذعان دارند که واقعیت اجتماعی و کنش‌های انسان تفاوت بسیار زیادی با علوم طبیعی دارد و نمی‌توان مبتنی بر مدل‌های موجود در علوم طبیعی به شناخت انسان و جامعه پرداخت؛ چراکه کنش‌های انسان، بامعنا متمایل به هدف و همراه باراده آزاد و آگاهی هستند؛ بنابراین، در این رویکرد، واقعیت خارج از انسان نیست بلکه در درون ذهن و آگاهی او قرار دارد. پس به‌جای تبیین علی باید به فهم همدلانه و مشارکتی روی آورد. به‌جای تمرکز بر مشاهده تجربی دقیق و اندازه‌گیری کمی رفتار انسان، به معنای رفتار یا کنش انسانی از طریق تعامل خلاق و فعالانه توجه می‌شود. در این رویکرد ویژگی واقعیت اجتماعی آن چیزهایی است که انسان‌ها در زندگی روزمره در ارتباط شناختی از پدیده‌ها دارند (ایمان، ۱۳۹۰: ۶۵-۷۱).

۲-۱-۴. اجتهاد یا استنباط

در پژوهش‌های اسلامی، شناخت اسلوب و منابع اسلامی بسیار مهم است. ادیان الهی با فراخوانی عقل و تفکر، بر متن محوری تأکید دارند (منطقی، ۱۳۹۷). اجتهاد را استخراج و استنباط حکم شرعی از طریق دلیل‌های تفصیلی معنا کرده‌اند به عبارت دیگر اجتهاد عبارت است از: تلاش روش‌مند علمی برای دستیابی به نظر خداوند متعال (جوهری، ۱۳۸۱). واژه اجتهاد در لغت از ماده جهد به معنای سخت‌کوشی و مشقت و به کار بستن تمام کوشش برای انجام کاری است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۳: ۱۳۵؛ جوهری، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۴۶۱) و در اصطلاح به ملکه و استعداد در به دست آوردن و استنباط بر احکام شرعیه فرعیه اطلاق می‌شود (بهایی، ۱۴۲۳ ق: ۱۵۹) اجتهاد عبارت است از عملی که به انگیزه به دست آوردن شریعت از مستندات آن صورت می‌گیرد (علیدوست، ۱۳۹۶: ۶۸)؛ به عبارت دیگر «تلاشی علمی و روش مثال برای استنباط و استخراج حجت بر وظایف شرعی مربوط به موضوعات و پدیده‌های فرعی، بر اساس اصول و قواعد و منابع شرعی و عقلی است» یا گفته‌اند: «نیروی علمی پایدار که به کمک آن بتوان تحصیل احکام شرعی کرد». بنابراین، اجتهاد روش و فرایند استنباط

احکام شرعی از منابع معتبر آن است. برای اجتهاد دو عنصر اساسی نیاز است: ۱. آشنایی کامل به مدارک و قواعد استنباط؛ ۲. بهره‌گیری صحیح از قواعد و مدارک و تطبیق آن‌ها بر مصادیق (قلی زاده، ۱۳۹۱). درحالت کلی از اجتهاد سه معنا در میان اهل فن وجود دارد:

- ❖ اجتهاد به معنای حکم کردن یا کشف حکم شرعی بر اساس تفکر، رأی، سلیقه و مصلحت‌اندیشی شخصی که به «اجتهاد به رأی» مشهور است و گاهی «قیاس»، و گاهی هم اعم از آن خوانده شده است. هرگاه فقیه در کشف حکم شرعی، هیچ نصی از قرآن و سنت نیافت، می‌تواند بر اساس تفکر و سلیقه شخصی خود، اجتهاد و حکم را به نحوی بیان کند. نخستین بار اصطلاح «اجتهاد» در فقه اهل سنت به این معنا به کار رفت.
- ❖ اجتهاد به معنای کوشش علمی برای تحصیل ظن به احکام شرعی؛
- ❖ اجتهاد به معنای تلاش علمی برای کشف و استنباط احکام شرعی یا تحصیل حجت بر حکم از ادله معتبر یا ادله معتبر شرعی.

تمایز میان اصطلاح اول با دو اصطلاح اخیر روشن است: طبق معنای نخست، اجتهاد خود یک دلیل یا منبع برای کشف حکم شرعی است که فقیه در صورت فقدان نص می‌تواند از آن سود جوید. اما مطابق با اصطلاح دوم و سوم، اجتهاد شیوه‌ای است برای کشف حکم شرعی از منابع و ادله معتبر؛ نه منبعی از منابع کشف حکم (حسنی و علی‌پور، ۱۳۸۶).

به‌طور کلی اجتهاد دینی اصطلاحاً عبارت است از کوشش علمی بر اساس منابع معتبر، به‌واسطه ابزار و عناصر لازم برای تفهم، اکتشاف و استخراج مطلق آموزه‌های دین به‌گونه‌ای که از اعتبار (حجیت یا صرفاً منجزیت و معذرت) برخوردار باشد. به نظر می‌رسد فعالیت علمی به‌طور کلی فعالیت اجتهادی است. به این معنا که عالم به‌مثابه مجتهدی به کوششی علمی بر اساس منابع معتبر و مقبول برای تفهم و اکتشاف دست می‌زند به‌گونه‌ای که حاصل تلاش او به لحاظ منطقی و عقلی و عقلایی، موجه و حجت (دارای شاهد و دلیل کافی) باشد. از این‌رو علاوه بر اجتهاد دینی، اجتهاد علمی و اجتهاد فلسفی یا متافیزیکی نیز خواهیم داشت (حسنی و علی‌پور، ۱۳۸۶).

در روش اجتهادی اولاً استناد به منبع مهم است و ثانیاً دلالت منبع و برداشت مجتهد از آن اهمیت دارد. در بررسی دلالت متون دینی، پژوهشگران تلاش می‌کنند این موضوع را دریابند که مفهوم برداشت‌شده در آیات و روایات، صحیح است یا خیر؟ دانش اصول فقه مهم‌ترین ابزاری است که پاسخ به این مسئله را در اختیار می‌گذارد. قواعد متداول در دانش اصول فقه به دو دسته اساسی تقسیم می‌شوند که با آن‌ها می‌توان به «شناخت معنای واژگان» پی برد. در یک دسته قواعد شناخت مدلول و منظور واژه‌ها قرار دارد که با آن‌ها می‌توان به شناخت مدلول و منظور واژه‌ها پرداخت. و در دسته دوم قواعد تلاش می‌شود به مقصود و مراد گوینده دست‌یافت (مظفر، ۱۳۸۶: ۲۱).

نسبت میان «منبع» و «دلیل» این است که همواره «دلیل» را با «منبع» می‌سنجند و تأیید یا تکذیب می‌نمایند؛ به این معنا که هرگاه ادله و استنتاج‌های حاصل از آن با منابع، موافق بود، نتیجه حاصل از استدلال، پذیرفته و تأیید می‌شود و اگر با منابع، مخالف بود، تکذیب می‌شود و قهر استدلال فرو می‌یابد. به‌عنوان مثال، در علوم تجربی اگر یک تئوری با دلایل ترکیب‌شده از روش تجربی و حسی، تقویت یا تأیید و اثبات گردد و آنگاه در آزمایش‌های بعدی و دقیق‌تر معلوم شود که چنین چیزی در طبیعت وجود ندارد - یعنی نفس‌الامر که معیار واقعیت و مطابق گزاره‌های تجربی است، آن تئوری را تأیید نکند - تئوری به‌وسیله واقع، تکذیب و ابطال می‌گردد و کنار گذاشته می‌شود. اگر گزاره‌ای در یک دانش با «منبع» آن دانش، مخالف بود، بدین معنا است که با معیار صدق و کذب، مخالف است و از این رو تخطئه می‌شود و معلوم می‌گردد که در استدلال، اشکالی بوده است؛ یعنی مطابق با واقع نیست؛ ارتباط بین «روش» با «دلیل» و «منبع» را بدین‌صورت می‌توان تقریر کرد که: «روش» عبارت است از شیوه استفاده از «دلیل» و به‌کارگیری آن. از دیگر سو «منبع» پشتوانه و سرچشمه دانش است و می‌توان آن را پایه «روش» نامید؛ یعنی اگر «منبع» وجود

۱. در دسته نخست، به شناخت مدلول و منظور واژه‌ها پرداخته می‌شود. بررسی «هشتق»، نمونه‌ای از بررسی‌های دسته اول است که پژوهشگر نیازمند شناخت این موضوع است که واژه یا اسمی که در این آیه یا روایت، به کار رفته است، در چه نقشی ظاهر شده است، در نقش اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مکان و ... با استفاده از دانش اصول فقه می‌توان، معنای حقیقی کلمات را شناسایی کرد. در دسته دوم، هیئت جمله و مدلول استفاده شده از آن مورد توجه قرار می‌گیرد. اینکه مراد گوینده از یک جمله، وجوب امر (دستور) است یا وجوب استجابی (توصیه)؛ بنابراین در این بخش تلاش می‌شود که به مقصود و مراد گوینده دست یافت.

نداشته باشد، هیچ روشی شکل نمی‌گیرد، زیرا از مجهولات محض نمی‌توان به هیچ معلوم و معرفتی دست‌یافت (حسینی و علی‌پور، ۱۳۸۶).

۲-۲. قاعده محوری و متن محوری

هر علمی عهده‌دار رفع بخشی از نیاز بشر و متشکل از یک سلسله قواعد است. آنچه مهم است و نباید مورد غفلت قرار بگیرد این است که محقق جایگاه استفاده از قواعد را بداند و در غیر موارد نیاز که حکمت جعل قاعده برای آن‌هاست به سراغ قواعد نرود؛ چون در این صورت چه‌بسا به کارگیری قواعد سبب نقض غرض باشد؛ زیرا حقیقت این است که مردم در بیشتر موارد در محاورات عرفی خویش و تفهیم و تفاهمی که با یکدیگر دارند، اصلاً توجهی به قواعد ندارند؛ زیرا نوعاً ابهامی نمی‌بینند تا نیازی به رجوع به قواعد باشد بلکه چه‌بسا رجوع بی‌مورد به قواعد سبب برداشتی خلاف برداشت متعارف می‌گردد که عواقب ناگواری هم در پی دارد.

اساساً علم به معنای کشف واقع است و تمام علوم به این منظور جعل شده و مورد استفاده انسان قرار گرفته‌اند که واقعیات موجود در عالم را برای او کشف کرده و در اختیار وی قرار دهند. کار اصلی هر علمی این است که متناسب با موضوع خودش، دردها و مشکلات را بشناساند و داروها و راه‌حل‌های مناسب را ارائه کند. بنابراین موارد تحیر و عدم کشف، جزء موارد استثنا و خارج از قاعده علوم است که باید کمترین سهم را در هر علمی برایش قائل شد (برزگر، ۱۳۹۲).

۲-۳. تحلیل متن

تحلیل متن یکی از انواع تحقیق است که بر اساس دو روش تحقیق اساسی کمی و کیفی انواع مختلف تکنیک‌ها را در برمی‌گیرد.

۲-۳-۱. تحلیل متن در روش کمی

تحلیل متن در روش‌های کمی عمدتاً مربوط به روش تحلیل محتوای کمی است که بر اساس فراوانی واحدهای تحلیل و به صورت آماری انجام می‌پذیرد. این روش مبتنی بر کدگذاری متن است. در تحلیل محتوای کمی که بر اساس توصیف است به کشف

توجهات و جهت‌های متن پرداخته می‌شود. از این رو با انتخاب واحد تحلیل که از کلمه تا جمله و پاراگراف و متن می‌تواند باشد فراوانی تمامی واژه‌ها و مقوله‌بندی کدهای به‌دست‌آمده از گزینش متن به‌دست‌آمده و با ایجاد محاسبات آماری نمودارهای بیشترین تعداد فراوانی واژه‌ها به‌دست‌آمده و جهت‌گیری‌های اصلی متن ظهور پیدا خواهد کرد.

۲-۳-۲. تحلیل متن در روش کیفی

متن در تحقیق کیفی سه کارکرد دارد: نه تنها داده‌های اصلی تحقیق را که یافته‌ها بر آن متکی‌اند فراهم می‌کند، بلکه اساس تفسیر این داده‌ها نیز هست و در عین حال وسیله و ابزار اصلی ارائه و انتقال یافته‌ها به شمار می‌آید. در این فرایند متن آن چیزی می‌شود که مورد مطالعه است. متن جایگزین چیزی می‌شود که مورد مطالعه است. به محض اینکه محقق داده‌هایش را گردآوری و آن‌ها را به متن تبدیل کند، این متن در طول مراحل بعدی فرایند تحقیق جایگزین واقعیت خواهد شد (فلیک، ۱۳۸۸: ۹۳). تاکنون این دست از تحلیل‌های متن شناسایی گردیده که بر اساس روش کیفی تقسیم‌بندی شده‌اند.

۲-۳-۲-۱. تحلیل متن‌های مبتنی بر فهم

روش تفهیم مبتنی بر فهم، سیر محقق به عمق زوایای مورد تحقیق است. یعنی فهم مخاطب و آن‌چنان‌که او به دنیا می‌نگرد و فهمی که او از جهان دارد. روش‌های کیفی و با دیدگاه تفسیری عمدتاً بر فهم معنای متن متمرکز هستند. از جمله متدهای این نوع تحلیل، نظریه داده‌بنیاد، تحلیل محتوای کیفی و تحلیل گفتمان است. در این متدها ورود به متن بر اساس استقرا بوده و با خوانش و تقطیع متن در موضوعات مختلف مستخرج از متن کدگذاری شده و با استفاده از کدها مقولات و مضامین آن احصا می‌شوند. اما نکته اینجاست که در نظریه داده‌بنیاد به هیچ داده‌ای غیر از متن توجه نمی‌شود و در تحلیل مضمون و تحلیل محتوای کیفی تنها به نظریاتی که قبلاً در حوزه موضوعی متن بیان شده توجه شده و بر اساس آن‌ها چهارچوب متن مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در تحلیل گفتمان نیز تحلیل بر اساس داده‌های متن و نیز

شرایط اجتماعی و تاریخی متن مورد بررسی قرار می‌گیرد. مؤلف در همه این موارد یا مورد توجه نیست و یا به‌عنوان یک عنصر منفعل که تحت تأثیر ساختارها از جمله شرایط تاریخی و اجتماعی است قرار می‌گیرد.

هرچند تحلیل گفتمان مانند دیگر تکنیک‌های عمده تحلیل متن مبتنی بر کدگذاری نیست و بیشتر یا مبتنی بر تفکیک متن بر اساس دلالت‌های نشانه‌شناسی است مانند آنکه جمله به‌صورت امری/ نهی استفاده شده یا ... و یا مبتنی بر مفصل‌بندی و یافتن دال‌های مرکزی و شناور متن و در نتیجه ایجاد یک شاکله از متن در قالب دال و مدلول‌هاست.

۲-۳-۲-۲. تحلیل متن‌های مبتنی بر تأویل

تحلیل‌های هرمنوتیکی مبتنی بر تأویل هستند. این نوع از تحلیل بر اساس بازگشت چندین و چندباره به متن و اجزای آن و نتیجه‌گیری از مقصود متن و یا مؤلف است و به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱. تحلیل متن هرمنوتیکی «گادامر» مبتنی بر مرگ مؤلف است. این نوع تحلیل به تفسیر و تحلیل متن بر اساس فهم مفسر از متن می‌پردازد نه فهم مؤلف و متن بارها و بارها خوانده می‌شود تا فهم این‌زمانی و هم‌زمانی متن استخراج شود.

۲. تحلیل متن هرمنوتیکی «دیلتای»، این نوع هرمنوتیک مبتنی بر تأکید بر کشف مراد مؤلف است و متن بارها و بارها خوانده می‌شود تا فهم آن‌زمانی متن استخراج شود.

«تحلیل گفتمان» را می‌توان نوع دیگری از تأویل دانست به نوعی ترکیب دو مورد نخست بوده که برخلاف مراحل نظریه‌سازی پوزیتیویستی، فکری است که مورد اقبال قرار گرفته، هژمونی دارد و از قدرت برخوردار است که این قدرت، کاریزماتیک فردی یا سازمانی است. مک دائل معتقد است که سازمان خیلی مهم است؛ ولی فوکو قدرت‌های فردی را مهم‌تر می‌داند.

دسته‌بندی انواع روش‌های تحلیل متن در جدول ۱ ارائه داده شده است:

جدول ۱: دسته‌بندی انواع تحلیل محتواهای متن بر اساس اطراف متن (بخش سفید جدول)
دسته‌بندی انواع تحلیل محتواهای متن بر اساس اهداف مفسر (بخش زردرنگ جدول)

جنس واقعیت		
واقعیت اجتماعی؛ واقعیت همان است که دیده می‌شود.	پدیده اجتماعی؛ واقعیت همان است که فهم می‌شود.	
رویکرد تحلیل		
هدف	مفسر (مرگ مؤلف/ فهم زمان‌مند)	
داده	مؤلف (فهم تاریخی)	
متن	هرمنوتیک دیلتای + تحلیل محتوای کیفی	
فهم/ تأویل	هرمنوتیک گادامر + داده‌بنیاد	
متن + فرامتن	تحلیل گفتمان	
متن	تحلیل محتوای کمی	-
تبیین		
توصیف		

جدول ۲: ماتریس ابزار مفهومی بررسی تحلیل متن

ابزار مفهومی بررسی تحلیل	گوینده	متن	فرا متن	خواننده
گوینده (مؤلف)	اصالت با گوینده (تفسیر بر اساس نظر گوینده)	گوینده- متن ترکیب گوینده و متن با اصالت گوینده	گوینده- فرا متن ترکیب گوینده و فرا متن اصالت با گوینده	گوینده- خواننده ترکیب گوینده و خواننده اصالت با گوینده
متن	متن- گوینده ترکیبی متن و گوینده با اصالت متن	اصالت با متن تفسیر بر اساس متن و مرگ مؤلف و مفسر	متن- فرا متن ترکیب گوینده و فرا متن اصالت با متن	متن- خواننده ترکیبی متن و خواننده با اصالت متن

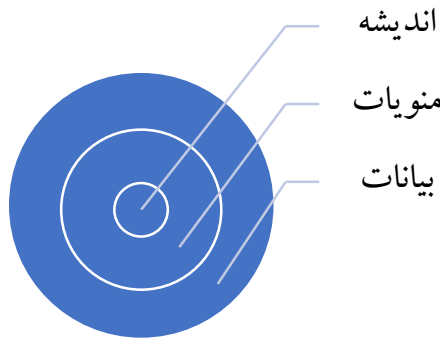
ابزار مفهومی بررسی تحلیل	گوینده	متن	فرا متن	خواننده
فرا متن	فرا متن - مؤلف ترکیب فرا متن و مؤلف اصالت با فرا متن	فرا متن - متن فرا متن - متن ترکیب فرا متن و متن اصالت با فرا متن	اصالت با فرا متن (تفسیر بر اساس فرا متن)	فرا متن - خواننده ترکیب فرا متن و خواننده اصالت با فرا متن
مخاطب (خواننده)	خواننده - گوینده ترکیب گوینده و خواننده اصالت با خواننده	ترکیب خواننده - متن با اصالت خواننده	خواننده - فرا متن ترکیب خواننده و فرا متن اصالت با خواننده	اصالت با خواننده تفسیر بر اساس نظر خواننده

۳. الگوی تحلیل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای

بررسی مباحث آیت‌الله خامنه‌ای نیازمند بررسی یکی از سه موارد ذیل یا هر سه این موارد است:

جدول ۳: عناصر مورد بررسی در روش‌شناسی آیت‌الله خامنه‌ای

منویات	بیانات یا کتاب‌ها	اندیشه
مواردی هستند که لزوماً در بیانات، سخنرانی‌ها و کتب نیست.	شامل سخنرانی‌ها و کتب است.	شامل ذهنیت فرای سخنرانی یا نگارش است که در زمینه مفاهیم سخنرانی یا کتاب نهفته است.



شکل ۲: الگوی لایه‌ای اندیشه تا بیانات

بارزترین لایه قابل تحقیق در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای گفتارها و نوشتارهای ایشان است. اما با توجه به اینکه درک منطق آیت‌الله خامنه‌ای و فهم نیت ایشان برای موضوعات مهم است، کشف مراد او در اندیشه و منویات نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. از این رو، می‌بایست روشی را به کار گرفت که توانایی و قابلیت دریافت مطالب باطنی سخنان ایشان را نیز داشته باشد.

روش‌های تقطیعی و کدگذاری به نظر برای این کار مناسب نیستند. زیرا این روش‌ها بر مبنای تکرار مضمون و کدهای واحد در کلیت سخنرانی هستند و مفهوم و نه لزوماً لفظ پرتکرار را در کنار هم گرد آورده و مضمون کلی تری را از آن استخراج می‌کنند.

یکی از روش‌های اصیل برای این مهم روش استنباطی - اجتهادی است. در روش اجتهادی معمول که بر اساس بررسی آیات، روایات، سیره اهل بیت و بعضاً نظرات علمای قبلی و نقد آنهاست، حکم فقهی استخراج می‌شود. اما این روش زمانی کاربرد دارد که قرار است حکم از منابع اصلی یعنی کتاب و سنت استنباط شود. اما در مواجهه با بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و بررسی موضوعات مختلف از قبیل دینی، سیاسی، فرهنگی و ... اولاً قرار نیست حکم به معنی حکم شرعی استخراج شود، و ثانیاً مجتهد لزوماً این کار را انجام نخواهد داد. بلکه محقق نظرات مجتهد را در امور مختلف بررسی کند. از این رو، بررسی صرف آیات، روایات و سیره برای بیان اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای کفایت نمی‌کند چون این نوع بررسی بیشتر حالت تطبیق میان اندیشه

رهبری با قرآن و سنت را خواهد داشت. بلکه علاوه بر این منابع بایستی عناصر مختلفی نظیر زمان و فضا را نیز به این بررسی اضافه نمود. بنابراین سه مؤلفه منبع، دلالت و زمان و فضا در تحلیل اندیشه‌ای در نظر گرفته می‌شوند. یکی از تکنیک‌های این نوع بررسی در چهارچوب اجتهادی-حکمی بررسی بیانات به بیانات است.

۳-۱. گونه‌های مواجهه با بیانات آیت‌الله خامنه‌ای

گونه‌های مختلف مواجهه با اندیشه و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان مطابق زیر در نظر گرفت:

- ❖ بررسی اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای از بیانات ایشان (اگر هدف بررسی اندیشه ایشان در میان سایر اندیشه‌هاست طبیعتاً رویکرد اول روش اجتهادی مناسب است)؛
- ❖ احصا و استخراج ادله شرعی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای؛
- ❖ استفاده از فن روش اجتهادی مصطلح در بررسی اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای که یکی از صور آن بررسی بیانات به بیانات است (اگر هدف فکرکردن به‌مانند ایشان است کشف منظومه بیانات رهبری مناسب است که طبیعتاً تطبیق و تفسیر بیانات به بیانات مناسب خواهد بود).

۳-۲. فن اول؛ فن دوگانه انگاری

لئو اشتراوس ساختار ذهن انسان را بر منطق دوگانه استوار می‌داند که در اساس چیزی جز شناخت از طریق کشف شباهت‌ها و تفاوت‌ها نیست (کوثری، ۱۳۹۰: ۲۵۵). برخلاف آنچه در کدگذاری - که عموم روش‌های تحلیل متن بر آن استوارند - انجام می‌شود و بر متن حد خطی یعنی یک‌سویه زده‌شده و تقطیع می‌شود در دوگانه انگاری متن حد خطی زده نمی‌شود تا معنا و موضوع اساسی متن به دست آید بلکه متن فرایندی نگریسته می‌شود تا در قالب وجودی تجمیع گردد. یعنی ابتدا دوگانه‌های اساسی متن استخراج می‌شوند و دوگانه‌های دیگری که ذیل آن‌ها قابل طبقه‌بندی هستند به دست می‌آیند تا بر اساس دوگانه‌های مستخرج راه‌حلی که آیت‌الله خامنه‌ای در همان متن یا متن‌های دیگر ارائه می‌دهد، جستجو شود.

چون در این روش که تحلیل متن آیت‌الله خامنه‌ای است محقق صرفاً به دنبال توصیف نخواهد بود بلکه می‌بایست به راهکار، راهبرد، نظریه و راه‌حل پاسخ به مسئله نیز دست یابد.

مفاهیم دوگانه یا جفت‌های معنایی هریک باهم معنا می‌یابند. به‌طوری‌که در حالت کلی یک‌طرف بر عدم و نیستی و طرف دیگر بر وجود و هستی دلالت می‌کنند. اما آنچه به وجود برمی‌گردد مطابق با منطق طیفی است. به‌طوری‌که مراتب وجود اشتدادی دارند و حسب قرابت یا غرابت باوجود از شدت و ضعف برخوردار می‌شوند. در فن روشی دوگانه‌انگاری بر اساس بنیان‌های هستی‌شناختی و انسان‌شناختی می‌توان اصولی را استخراج نمود. از جمله این اصول آن است که عالم در نگاه اسلامی یگانگی دارد که در مباحث فلسفه صدرایی از آن تعبیر به وحدت وجود می‌شود. اما در صحنه وجود عدم‌ها بعضاً خود را در قالب وجود نشان می‌دهند که در دوگانه حق و باطل خود را بروز می‌دهد. بر اساس این دوگانه اصلی می‌توان با مروری بر آیات قرآن کریم مجموعه‌ای از دوگانه‌ها را استخراج کرد که بیشتر در طیف وجود و عدم قرار گرفته‌اند. مفاهیم قرآنی عموماً در دوگانه‌ها و یا چندگانه‌ها قابل طبقه‌بندی هستند.

جدول ۴: دوگانه‌ها و کلان دوگانه‌های بااهمیت

دوگانه‌ها	نوع دوگانه
خیر - شر	اعتقادی
دنیا - آخرت	
فرشته - شیطان	
حق - باطل	
اسلام - کفر	
صلح - جنگ	
صالح - فاسق	
ایمان - کفر	
مؤمن - کافر	
امر - نهی	
بهشت - جهنم	
حیات - ممات	

دوگانه‌ها	نوع دوگانه
شهید - مقتول	اجتماعی
کبر - تواضع	
مادی - معنوی	
عدالت - ظلم	
ظالم - مظلوم	
حر - برده	
حاکم - محکوم	
مسجد - معبد	
حکومت - امت	
مستکبر - مستضعف	
مرد - زن	اسمی
جامعه - فرد	
قلیل - کثیر	
کم - کیف	
ازدواج - زنا	احکامی
حلال - حرام	
واجب - حرام	
مستحب - مکروه	
ربا - سود	

۳-۲-۱. مراحل اجرای تحلیل متن با فن دوگانه انگاری

برای انجام این فن در اندیشه و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای می‌بایست حوزه مفهومی مورد نظر را انتخاب و بررسی نمود. به‌عنوان نمونه، اقتصاد مقاومتی در نظر ایشان امری خودجوش، درون‌زا و برون‌گرا بر اساس مقتضیات بومی کشور است. حال برای بررسی بیانات اقتصادی ایشان می‌بایست این نکات به‌عنوان دوگانه‌های کلیدی قرارگیرند تا در صورت بود یا نبود این گزاره‌ها در آن‌ها، نسبت به کشف نظرات جدیدتر ایشان در این باره اقدام نمود. سایر حوزه‌های مفهومی نیز از همین مبنا تبعیت می‌کنند.

از این رو ابتدا ضروری است ماهیت نظر ایشان در حوزه‌های مختلف احصا و با داشتن بسته‌های شکل گرفته از مفاهیم ایشان در هر حوزه اقدام به تحلیل متن و تعیین جایگاه آن در مجموعه متون ایشان نمود. دوگانه‌های اساسی مستخرج از نظریات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای در جدول ذیل قابل مشاهده است:

جدول ۵: بسته‌های مفهومی فن دوگانه انگاری در نظریات آیت‌الله خامنه‌ای

بسته‌های اقتصادی	بسته‌های سیاسی	بسته‌های فرهنگی
درون‌گرا- برون‌زا	مقاومت - سازش	تهاجم فرهنگی - تعاطی فرهنگی
بومی - غیر بومی	چالش ذهنی - تشحیذ ذهنی	خودی - غیر خودی
جهادی- بوروکراتیک	حق - باطل	حق - باطل
مقاومتی- سرمایه‌داری	خودی - غیر خودی	نفوذ - تعامل
حق - باطل	دوست - دشمن	مهندسی فرهنگی - گسستگی (شکاف) فرهنگی
	جبهه استکبار - جبهه مقاومت	
	نظام امام و امت - دیوانسالاری	
	مردم‌سالاری دینی - لیبرال دموکراسی	

۳-۳. فن دوم؛ فن تأملی

روش‌شناسی آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر یگانه دیدن جهان است. برای این منظور نیاز به فنی است که این یگانگی را تصویر کند. روش‌ها و تکنیک‌های متفاوتی برای این هدف وجود دارد. پرداختن به اصول، مراجعه به روایات و تطبیق آن‌ها با اقتضائات زمانی و مکانی، از جمله آن روش‌هاست. اما یکی از روش‌هایی که در نگاه بعضی از اندیشمندان به‌عنوان نگاه به خود و جامعه پیرامون، شکستن تفوق زمان، مکان، سنت‌ها، فرهنگ و در مسیر زدودن یکنواختی و عادی‌شدن بوده روشی است که با مراجعه به نقل و عقل به برآوردن عقلانیت و حیانی مطابق با زمان و مکان پرداخته که اصطلاحاً آن را می‌توان روش تأملی - حکمی نام نهاد. در این روش کوشیده می‌شود تا مرز میان فهم و عمل او بافهم و عمل ما برداشته شود. او موجودیتی است که فهم و عمل او مستند به اصول و مبتنی بر تجربه زمانی است و در تلاش جهت

فائق آمدن بر موانع چالش‌برانگیز ذهنی و عینی مخاطب برای رسیدن به اهداف انسانی است. اما، ما موجودیتی امروزی است که با برآمدن پرده تاریخی و زمانی او را به مانند یک اسطوره و نمادی تعریف کرده که عمل و فهم او در زمان گذشته باقی مانده چون آن فهم و عمل به ماورای طبیعت یا تاریخ اختصاص یافته است. این روش، روش تأملی است از همین‌رو، تأمل در فهم و عمل او و ما و به چالش کشیدن ما در برابر او است و روشی حکمی است چون مرز میان ما و او را برداشتن به حکمت میان او به معنی نبودن ما است. از این‌رو مطابق جدول ذیل چند حالت در رابطه میان او و ما وجود دارد.

جدول ۶: روابط «او» و «ما» در فن تأملی

عملکردها		نوع رابطه
فهم ما	عمل او	تطابق ناقص
عمل ما	فهم او	تطابق تام
فهم ما	فهم او	تطابق فهمی
عمل ما	عمل او	تطابق عملی

آیا واقعیت همان است که دیده می‌شود یا چیز دیگری است؟ بر همین مبنا رفت و برگشت در واقعیت و صورت واقعیت انجام می‌گیرد تا دستیابی به پاسخ حاصل شود. نمونه‌های کاربرد این فن از سوی آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان در کتاب هم‌زمان حسین ملاحظه نمود. روش تأملی یعنی آنکه آیا چیزی که به‌طور سنتی دانسته و فراگرفته شده همان است که در واقعیت بوده است.

۳-۳-۱. مراحل اجرای فن تأملی

این فن مشتمل بر چند مرحله است:

- بازبینی اندیشه‌ای موضوع؛ بازبینی اندیشه موضوع در طول زمان، از زمان وقوع آن در گذشته تا زمان حال و فهم معنای واقعی آن؛ به معنی انتقال و فهم اندیشه و فعل انسان گذشته تاریخی به حال اجتماعی-سیاسی-

فرهنگی. از این رو مثلاً امام حسین^(ع) نه فقط در سال ۶۱ هجری دیده می‌شود بلکه عمل و فهم ایشان با شرایط اجتماعی در سال ۱۴۴۰ قمری نیز انطباق داده می‌شود.

➤ **آغاز با سؤال؛ دیدگاه تأملی با سؤال شروع می‌شود.** سؤال نسبت به یک موضوع عادی که همه در ظاهر آن را پذیرفته‌اند. با سؤال موضوع از حالت عادی پذیرفته‌شده خارج گردیده و به امری قابل فکر تبدیل می‌شود. اما در ضمن راه‌حلی هم برای آن ارائه می‌دهد. مانند اقتصاد مقاومتی در برابر جریان رایج اقتصادی.

➤ **علت‌یابی قضایا؛** در این روش برای سؤالات و مسئله‌های مختلف علتی در نظر گرفته می‌شود و مسائل بدون علت نمی‌توانند باشند (به‌عنوان نمونه ص ۲۰۷ کتاب دو امام مجاهد).

➤ **واقع‌نگری مبتنی بر اصول و منطبق با شرایط زمان و مکان؛** در این روش موضوعاتی مورد بررسی قرار می‌گیرند که اولاً نه تخیل ذهنی بلکه امر واقعی بوده و مبتنی بر اصول پذیرفته‌شده هستند و کارآمدی آن‌ها نیز حسب زمان و مکان در نظر گرفته شده است. به نمونه ذیل دقت کنید: بعضی علت قیام امام حسین^(ع) را پیرامون مباحث عشق و عاشقی و مسائل عرفانی این سبکی می‌برند. نکته درستی است اما کاملاً درست نیست. علت قیام را باید در کربلا دید که امام چه کار کرد. تا عشق و عاشقی معنا یابد. اما مسئله‌اش مسئولیت است انجام یک رسالت است در یک کلام تجدید حیات انقلاب اسلامی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۲۶۵-۲۶۹). این روش واقع‌نگر است به این معنا که واقعیت لزوماً همان نیست که بازنمایی شده بلکه واقعیت آن چیزی است که تأمل و تفکر شده و بر اساس اصول ثابت بازطراحی شده است. آن‌هم بازطراحی منطبق بر واقعیت و انجام عمل در بستر و زمینه تاریخی آن که امکان و قابلیت امتداد و تسری در زمان حال و آینده را داراست. این به آن معناست که برخی اعمال و گفتارها در زمان خود انجام‌شده یا گفته‌شده اما اختصاص به آن زمان تاریخی ندارد بلکه یک مسئولیت اجتماعی و دینی بوده‌اند

که زمان‌مند و تاریخی نیستند بلکه در سراسر تاریخ انسانی لزوم اجرا دارند این نیز خود، بر اساس اصول دریافت می‌گردد. بنابراین در روش تأملی:

- ❖ امکان دستیابی به واقعیت وجود دارد؛
- ❖ واقعیت امری موجود است که می‌تواند مورد تحریف قرار گیرد؛
- ❖ امکان زدودن تحریف از واقعیت وجود دارد؛
- ❖ واقعیت در تضاد با امر ناواقع است و تقابل معنایی با آن دارد؛
- ❖ سؤال روش تأملی پرسش از چرایی موضوع است.

۳-۳-۲. اصول مورد توجه در روش تأملی

در روش تأملی اصولی برای انجام روش وجود دارد که در متن این نوع نگاه و روش موجودند و بایستی لحاظ گردند:

- ❖ توجه به بحث علمی؛ فایده یک بحث علمی آن است که مشکلی را حل کند و مجهولی را از ذهن بزدايد (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵)؛
- ❖ توجه به مسائل ضروری؛ که برای مردم نسبت به منطقه جغرافیایی آن‌ها مسئله است.... باوجود مجهولات انبوه انتخاب مسائل بی‌تأثیر از لحاظ علمی بی‌قاعده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۵)؛
- ❖ توجه به مسائلی که برای آینده و خط‌مشی ما و زندگی ما اثرگذار است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۸)؛
- ❖ روش تأملی به دنبال کشف مسئولیت و تکلیف در جهت عمل است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۳)؛
- ❖ هستی‌شناسی در روش تأملی دو طیف کلی دارد؛ حق و باطل. و بر این اساس تأمل می‌شود. «الذین امنوا یقاتلون فی سبیل الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان» (نساء: ۷۶)؛
- ❖ روش تأملی حالت رفت و برگشتی به موضوع دارد که به عمل و تکلیف بینجامد «ثم ارجع البصر کرّین» (ملک: ۴)؛

- ❖ ابتدا از ندانستن و جهل به موضوع شروع می‌شود؛ بدون پیش‌داوری. (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۱۳) لذا ابتدا با تأمل، واقعیت از ناواقع تفکیک و مورد استفاده قرار می‌گیرد؛
- ❖ نگاه به بستر و زمینه فعل و تفسیر قول در بستر فعل؛
- ❖ فهم مسائل برای عمل (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ۲۳۷).

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با هدف دستیابی به روش صحیح مواجهه با بیانات آیت‌الله‌خامنه‌ای در صد ارائه راه‌حل برای چگونگی فهم اندیشه و بیانات ایشان است. در این راستا با بیان پارادایم‌های مختلف روش‌شناسی رایج در علوم انسانی نسبت به ارائه تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها از یک‌سو و تکنیک‌های روشی آن‌ها از سوی دیگر سعی شد تا برابندی کلی از این روش‌شناسی‌ها ارائه گردد.

در خصوص اندیشه و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای دو نوع فن ارائه شد. اولاً روش دوگانه‌انگاری که بر اساس دیدگاه اصالت وجود بیان شد که یک حق وجود دارد که وجود است و دیگری عدم. بر اساس این دوگانه وجود و عدم در سطح زندگی مادی، دوگانه دیگری که منطبق قرآنی را در مواجهه عقلانی و وحیانی با هستی نشان می‌دهد به دوگانه حق و باطل که منبعت از وجود و عدم هستند استخراج شد. با این کلان دوگانه ریز دوگانه‌های دیگری صورت‌بندی و ارائه شد. سپس اشاره شد که نظریات آیت‌الله خامنه‌ای در هر حوزه ابتدا احصا شود و مؤلفه‌ها و مفاهیم اصلی آن به دست‌آید تا گونه‌ای از صورت‌های مطلوب و معقول آن نظریه را در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... بتوان کشف نمود.

در فن دیگر فن تأملی - حکمی ارائه شد که مبتنی است بر تأمل و توقف در آنچه واقعیت انگاشته شده است و باز مرور و باز جستجوی امر پذیرفته‌شده است و در مرحله بعد حرکت به سمت معنای صحیح آن و بازآفرینی واقعیت پدیده موردنظر.

فهرست منابع

- ابراهیمی‌پور، قاسم (۱۳۹۰). *روش‌شناسی اندیشه اجتماعی دورکیم، وینچ و علامه طباطبایی، معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۲ (۴).
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان‌العرب*، سوم، بیروت: دارالفکر.
- اسکندری، مجتبی (۱۳۸۵). *روش‌شناسی تحقیق در اندیشه امام خمینی (ع)*، علوم انسانی (دانشگاه امام حسین) مهر و آبان ۱۳۸۵ شماره ۶۵.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰). *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، محمدتقی؛ کلاته‌ساداتی، احمد (۱۳۹۲). *روش‌شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- برزگر، مهدی (۱۳۹۲). *مقایسه‌ای تحلیلی میان دو روش اجتهادی متفاوت، فقه اهل‌بیت*، ۱۹ (۷۵ و ۷۶).
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۵). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۱). *پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی*، ترجمه سید حمیدرضا حسنی و دیگران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بهایی، محمد بن حسین (۱۴۲۳ ق). *زبده الاصول*، اول، بیجا: مرصاد.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۷). *انسان‌دانشگاهی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر پارسه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ق). *الصحاح*، بیروت: دارالعلم.
- حسنی، حمیدرضا؛ علی‌پور، مهدی (۱۳۸۶). *روش‌شناسی اجتهاد و اعتبارسنجی معرفتی آن*، روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)، ۱۳ (۵۰).
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶). *دو امام مجاهد*، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). *هم‌زمان حسین (ع)*، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عبدلی مسینانی، مرضیه (۱۳۹۹). *تحلیل و ارزیابی روش‌شناختی مدل حکمی-اجتهادی در تولید علوم انسانی اسلامی*. اندیشه نوین دینی، ۱۶ (۶۲).

- علی‌دوست، ابوالقاسم (۱۳۹۶). *فقه و مصلحت*، چاپ چهارم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۶). *روش‌شناسی مطالعه و فهم اندیشه سیاسی امام خمینی* (۹). اندیشه سیاسی در اسلام، ۴(۱۳).
- فلیک، اووه (۱۳۸۸). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کوثری، مسعود (۱۳۹۰). *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، به اهتمام عباس منوچهری، تهران: سمت.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۸۶). *اصول فقه*، قم: دارالفکر.
- منطقی، محسن (۱۳۹۷). *کاوشی در روش اجتهادی و کاربرت آن در مدیریت اسلامی*، چشم‌انداز مدیریت دولتی ۹(۳).